



برخی از اندیشه های اقتصادی در ایران عصر قاجار

دکتر شاهین پهنادایان*

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۹/۲ و تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۱۲/۱۳)

چکیده

عصر قاجار دوره بنیاد تحولات بسیاری در ایران به شمار می آید. این عصر آغاز تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در تمام ابعاد در مواجهه با تمدن مغرب زمین بوده است. نخبگان سیاسی این زمان نظر به اقتصاد نیز داشته اند. شخصیتی مانند حاج امین الضرب به عنوان بازرگانی عملگرا و نظریه پردازنی مانند: طالبوف تبریزی، میرزا ملکم خان و منتقدانی مانند مراغه ای و ده ها نفر دیگر از منور الفکران عصر قاجار در زمینه اقتصاد نظریه هایی را ارائه کرده اند، که در این تحقیق به نظریات برخی از این متفکران پرداخته می شود.

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، گروه ادبیات فارسی، کرج، ایران.

کلید واژگان

قاجار، مشروطیت، نخبگان سیاسی، اقتصاد، میرزا ملکم خان.

مقدمه

قاجارها وارث مملکتی شدند که اقتصاد آن از دیرباز بر بنیان زمینداری و زراعت به شیوه سنتی، تولیدات صنایع دستی و قالیبافی، بازرگانی و تجارت محدود خارجی و تولیدات دامی بود. این فعالیت های اقتصادی اگرچه بصورت مقطعی می توانستند منابع مالی دولتهای گذشته را تأمین کنند، اما در این عهد به علت تغییر چهره اقتصادی جهان و رشد اقتصادی تجاری و سرمایه داری غرب و ظهور انعکاس آن در ایران به شکل کالا و سرمایه، دیگر کارایی سابق را نداشتند. و به موازات تحول اقتصاد جهانی دچار نزول و افول و یا رشد و ترقی کاذب می شدند. با توجه به این شرایط مسئله اصلی این پژوهش آن است که آیا نخبگان عصر قاجار بخصوص در دوران ناصری در ابعاد اقتصادی دارای نظریات اقتصادی بوده اند یا خیر. بی شک در پاسخ به این مسئله فرضیه اصلی را بر این مبنا قرار داده که بله نخبگان سیاسی در این دوره به مسائل اقتصادی اندیشیده، و راه حل هایی برای اقتصاد ایران بیان کرده اند. امروز ریشه های اساسی مشکلات اقتصادی ایران را باید در گذشته نه چندان دور یعنی عصر قاجار جستجو کرد. از این رو به اندیشه ها و عملکرد اقتصادی برخی از نخبگان سیاسی عصر قاجار مانند: حاج امین ضرب، طالبوف تبریزی، نظرگو بینو راجع به تجار زمیندار و انتقاد مراغه ای از آنان، میرزا ملکم خان اشاره می گردد.

حاج امین الضرب

حاج محمد حسین اصفهانی صاحب کمپانی مشهور به امین الضرب (۱۲۵۳-۱۳۱۶ ه. ق) از تجار معروف عصر ناصری و مظفیری است. (۱) او فعالیت های زیادی در عرصه تجاری و صنعتی انجام داد و برای مدتی مسئولیت ضرابخانه دولتی را هم به عهده داشت. امین الضرب روابط تجاری وسیعی با دنیای خارج برقرار و در اکثر شهرهای مهم اروپایی آن روزگار نمایندگی تجاری داشت. این چنین روابط وسیع تجاری، او را با مدنیت جدید آشنا ساخت. او ریاست اتحادیه تجار تهران را بعد از جنگ جهانی اول

برعهده گرفت. در ۱۴ شوال ۱۳۳۷ طی یک گردهمایی در منزل حاجی محمد جعفر آقا تاجر خامنه در دروازه قزوین، کوچه قوام برگزار شد، این گردهمایی به منظور انتخاب اعضای عمومی اتحادیه تجار که بالغ بر ۱۲۰ نفر و ۳۰ نفر هیأت عامله بود، تشکیل شد. در ۱۲ ربیع الاول ۱۳۳۸ با حضور ۱۶ نفر از تجار نظام نامه اساسی هیأت اتحادیه تجار تهران به ریاست حاج محمدحسین امین الضرب به تصویب رسید و خط مشی کلی اتحادیه تعیین شد. مدتی بعد در ۱۶ جمادی الاول همان سال با حضور ۱۹ نفر از تجار نظام نامه داخلی اتحادیه نیز به تصویب رسید. تجار خواستها و اهداف خود از ایجاد چنین تشکلی را در مفاد نظام نامه سیاسی اتحادیه تجار مطرح کردند که به شرح ذیل است:

- ۱- توسعه و ترویج تجارت و صناعت و فلاحت.
 - ۲- تأسیس شرکت های تجاری و صناعتی و فلاحتی.
 - ۳- تأسیس مدارس تجاری و صناعتی و فلاحتی و تقاضای تکمیل و رفع نواقص آنها از مبادی عالیه.
 - ۴- تقدیم پیشنه‌ها و لوایح قانونی راجع به اصلاحات امور تجاری و تنظیم دفاتر به مقامات مربوطه.
 - ۵- اهتمام در پیشرفت قوانین مذهبی و تقاضای توسعه و صحت جریان امور معارف از مقامات مقتضیه.
 - ۶- رفع اختلاف و مناقشات تجاری و غیره از بین اعضا.
- اهداف تجار از ایجاد چنین تشکلی به خوبی از مفاد نظام نامه مشخص می شود. آنان به دنبال توسعه گسترده اقتصادی در هر سه شاخه تجارت، صنعت و کشاورزی بودند. (۲) حاج محمد اصفهانی در رأس این اتحادیه قرار داشته قبل از آن در آخر جمادی الثانی ۱۹۲۶ ق از سوی ناصرالدین شاه مسئول ضرابخانه دولتی شد و از این پس به دارالضرب یا امین الضرب مشهور شد. (۳) اندیشه اقتصادی حاج امین الضرب را می توان از نامه ای که در ۱۵ شعبان ۱۲۹۶ ه. ق به ناصرالدین شاه قاجار نوشته در یافت، در باب مضموم آن نامه به تعبیر خود او « اسباب ترقی و آبادی مملکت و ملت » را به همراه داشت. او در آن مکتوب خواستار تشکیل بانک شده بود او « بساط فرنگستان » را به شاه یاد آور شد و نیز دگرگونیهای شگرفی که در حیات فرنگی ایجاد شده بود. حال آنکه « فرنگستان سابق » چنین وضعیتی نداشت. او کشتی سازی، اتحاد صاحبان سرمایه و ساختن راه آهن و کارخانجات متعدد و متنوع را یادآور شد. به تعبیر امین الضرب، فرنگ در پیشرفت و ترقی به مرحله ای رسید که « آنچه مایحتاج خلق » آن دیار است را تولید می کند. او خواهان ایجاد بانک و سرمایه ملی بود. (۴) امین الضرب به دلیل

مسئولیت دولتی که داشت گاه به گاه در باب ضرورت استقلال اقتصادی کشور از فرنگ با شاه مکاتبه می کرد. او در نامه ای به شاه رونق تجارت و امنیت و آسایش تجار را بنیاد «رفع احتیاجات ممالک محروسه را از ولایات خارجه» می داند. امین الضرب اهتمام شاه در رسیدگی به معضلات تجارت را در زمینه تشویق تجار در تأسیس کارخانجات جدید می دانست. بر بنیاد توجه اولیای دولت است که به تعبیران تولید داخلی فزونی می گیرد و رفع «احتیاج مملکت از سایر دول خارج» خواهد شد. (۵) او خواهان احیای صنایع بومی متروک بود. وی به یکی از دوستان و همکارانش یادآور شد، صنایع قدیم «مدتی است متروک شده در ترویج آنها اقدام» نماید. او «نساجی و زربافی و خرازی و جبه داری و غیره اصفهان» را از جمله «صنایع قدیم» می داند. صنایعی که پیش از این کیفیت بسیار عالی داشت. اما «مدتی است که مال خارجه را آورده اند ترویج آنها متروک شده است.» (۶) امین الضرب در جنبش ضد رژی تجار- جنبش تنباکو- بی تأثیر نبود. او با احتیاط و محافظه کاری زبان های این کار را به شاه یادآوری شده (۷) و به امین السلطان نوشت که رژی نباید به طور مستقیم از مردم خریداری کند. رژی باید از تجار ایرانی خریدار کند. (۸) او همچنین مخالف مکاتبات اعتراض آمیز تجار به کار رژی بود. تجار از او می خواستند که برای الغای قرارداد تلاش کند. (۹) امین الضرب هر چند اعتراض آشکار و وسیع به کار آن شرکت انگلیسی نداشت اما شاه او را محرک اعتراض تجار و عامل بر چیده شدن رژی می دانست. گویا به همین دلیل مدتی در جمادی الاولی ۱۳۰۹ ه. ق به قزوین تبعید شده. (۱۰) حاج امین الضرب با وجود آن که یک تاجر موفق بوده در عین حال در سیاست نیز نقش داشته است اما موضوع اصلی آن است که وی از جمله افرادی است که نظریات اقتصادی خود را با وضعیت ایران و نگرش به جهان معاصر خود به صورت عملی اعمال می نمود.

گوبینو و تجار زمیندار

گوبینو که در نیمه قرن سیزدهم در ایران بود ذکر می کند که تجار ایرانی با رعایت بنیه اقتصاد ایران، بسیار ثروتمند هستند، زیرا آنان از پرداخت مالیات بر درآمد و صدها عوارض دیگر معافند. (۱۱) وی در جای دیگری اظهار می دارد: «مناسبات بین تجار، بنابر رسوم قدیمی بر مبنای اتحاد و اطمینان قرارداد. آنان اصل و نسب اشراف را به تمسخر می گیرند و برای آنان ارزشی قابل نیستند، زیرا خود را

کمتر از اشراف نمی دانند. دولت برای آنان احترام بسیار قایل است و گاه حتی از آنان تقاضای وام می کنند (۱۲) گرد آمدن ثروت در چنگ تجار باعث شد تا آنان از مبلغی نفوذ معنوی «نقطه اتکای اصناف و پیشه وران ایران از یک سو بازرگانان بزرگ و از سوی دیگر روحانیون هستند. به طوری که بازرگانان ایران اصناف و پیشه وران را کاملاً زیر نفوذ خود دارند و حتی ارباب واقعی آنان هستند.» (۱۳)

انتقاد مراغه از تجار

حاج زین العابدین مراغه ای، این طیف را به دلیل اشتراک منافع با خوانین و ملاکان بزرگ چنین وصف می کند: «طبقه تجار اصلاً در خیال ترقی تجارت و توسعه اداره آنان نیستند. در تمام تهران یک کمپانی و شرکت برای ترویج امتعه و محصولات مملکت تشکیل نیافته، تجار چرا کارخانه چیت سازی و شمع سازی و قندسازی دایر نمی کنند؟ اینان که تاجر نام دارند تاجر نیستند. مزدوران فرنگاند و بلکه دشمنان وطن خودشان هستند زیرا هر سال پول کشور را بار کرده به ممالک خارجه می برند و در مقابل اجناس آنان را به وطن نقل می دهند.» (۱۴) گوینو قدرت اقتصادی را در دست تجار که به تبع جزو ملاکین بزرگ هستند می بیند و آنان را اربابان واقعی اقتصاد ایران می داند و حاج زین العابدین مراغه ای آنان را مزدور و دشمنان وطن به علت عدم ساخت صنایع داخلی و نوعی ادغام در نظام سرمایه داری جهانی می داند.

طالبوف تبریزی

میرزا عبدالرحیم طالبوف در محله سرخاب تبریز به دنیا آمد (۱۲۵۰ ه. ق) در جوانی به قفقاز رفت و به کسب علم و دانش پرداخت؛ او علمی چون فیزیک، شیمی و ستاره شناسی را آموخت. (۱۵) وی نیز برای نشان دادن مفاسد استبداد مطلقه و پیدا کردن مردم، کتابهایی نوشت. (۱۶) طالبوف در کتاب سیاست طالبی در بخش مقاله ملکی وضع ایران را اینطور بیان می دارد: «نمی دانید چقدر متأثر و متحیریم که چرخ اداره مرکزی ایران چگونه تا این درجه از کار افتاده، و این ملت مستعده را، که سرنوشت اینها سپرده این اداره است، چرا اینقدر مظلوم نموده، بلادی که پنجاه سال قبل گلستان آسیا محسوب می شد، حالا قبرستان است. امنیت سلب، اطمینان جان و مال معدوم، نصف اهالی نوکر باب و

فراش یا اجامر و اوباش، حکام ظالم و رشوه خوار، اکثر ملاها بی دین و عمل. سایر طبقات «کالانعام بل هم اضل» معاریف این ملت که معروف دنیا بودند مگر نسلشان منقطع شده؟ اگر نه چرا بنی نوع خود و انبای وطن خود رحم نمی کنند. تَشَبُّه‌ی نمی نمایند و این همه عبادالله مظلوم را که مثل اطفال بی صاحب به دور چاه عمیق کبت اخروی جمع شده مترصد افتادن و شکستن رخوت و فنا هستند تعقدهای ندارند؟ مگر این هیات جامعه، اعضای یکدیگر نیستند؟ مگر وظیفه تمدن آنها معاونت همدیگر نیست و یا مأموریت روحانیون، امر به معروف و نهی از منکر نباشد؟ عجا این همه مردم زنده، که می خورند و می خوانند، می گویند، می شنوند، قیام وقوع دارند، نمی بینند که چه بساط وحشت و چه دستگان غم انگیز و مصیبت افزا در این بالاخر نفرت عمومی یعنی غضب الهیه و نزول بالای آسمانی یعنی اغتشاش داخله و مداخله اجانب و فقدان استقلال و انقراض سلطنت چندین هزار ساله ایران است. (۱۷) طالبوف درباره اقتصاد ایران چنین می گوید: «گر چه سلاطین گذشته از بسیاری از امور بی اطلاع بودند... وجود صنایع و ثروت تبعه صدبار از امروز و اقتدار دوست و سلطان پرستی زیادتیر بود و... همسایه های ما خوابیده و ما بیدار بودیم... اما امروز برای کاغذ قرآن و کفن محتاج فرنگستان هستیم... و عوض کارخانه و اسلحه اسباب بازیچه وارد می کنیم و کیست که این احتیاجات ما را فهمیده باشد.» (۱۸)

متن تلخیص شده فوق به نوعی تصویرگر وضعیت مالی، تجاری، کفایت سلاطین و درباریان است و اینکه چگونه در بی خبری ثروت و تولید است وطن را از بین می برند و به جای آن کالاهای غیرضروری و یا متشابه تولیدات داخلی وارد می کنند که باعث لطمه دیدن تولیدات و صنایع دستی داخل می شود. وی ایمان داشت که با تکیه بر علوم جدید و تشکیل سلطنت مشروطه مبتنی بر قوانین موضوعه جدید، می توان مترقی شد و به ثروت که «روح عالم تمدن» است رسید. (۱۹) به اعطای امتیاز به بیگانگان ظنین بود و می گفت که برای آبادانی وطن باید تنها از تجربه و علم استادان فرنگ استفاده کرد، و بعد از رفع نیاز، خود به تکمیل و ایجاد اختراعات پرداخت. طالبوف در فعالیت های اقتصادی جدید به تجارت علمی، کمپانی خانگی، ساخت راه آهن و ایجاد بانک توجه دارد. (۲۰) از میان رجال ایران، امیرکبیر، و رجال اروپا، بیسمارک را می ستاید و از میان دول آسیایی به ژاپن عنایت دارد، و اینها الگوی استقلال اقتصادی و استقلال ملی و سیاسی و ترقیات اقتصادی از دید او هستند. (۲۱)

میرزا ملکم خان

ملکم، فرزند میرزا یعقوب، به سال ۱۲۴۹ ه. ق متولد شد. پدرش او را در ده سالگی برای ادامه تحصیلات به فرانسه فرستاد. (۲۲) ملکم، در پاریس پس از اتمام تحصیلات متوسط، در رشته مهندسی به تحصیل پرداخت و در کنار تحصیل به مطالعه سیاست هم پرداخت، وی در سال ۱۲۶۷ ه. ق یعنی آخر ۵ سال صدرات امیرکبیر به ایران بازگشت و به مترجمی وزارت دول خارجه درآمد. او رسالتی نوشت تا هم خرابی کشور و ضرورت اصلاحات را باز گوید و هم تعریفی از مدنیت فرنگی و لزوم اخذ آن به دست دهد. وی در تمام رسایل خود به دو منظور پرداخته: اصلاح نابسامانی ها، و اخذ مدنیت فرنگی. او چون اعتقاد و باور زیادی به تمدن فرنگ و عقب ماندگی آسیایی دارد، در اغلب نوشته های خود درصدد مقایسه میان شیوه فرنگی و آسیایی است؛ چنانچه این مقایسه را در قواعد مالیه و پول، ساختن راه، عمل پست، تنظیم دستگاه دولت، و ساخت کارخانه ها می بینیم، نتیجه آن هم به عقیده او برتری بی چون چرای «علم اروپایی» است که آسیا مجبور به اخذ آن است. (۲۳) رهنمودهای اقتصادی مورد نظر ملکم در ترقی اقتصادی ایران، به گونه ای محوری- در دو مکتوب او بنام «اصول تمدن» و «استقراض خارجی» بیان شده است.

درجه مکنت یک مملکت به چیست؟

نخستین بحث ملکم خان کوششی در پاسخ به پرسش بالا می باشد. خلاصه نوشته ها و سخنان او عبارتند از:

- ۱- آبادی یک ملک بسته به مبلغ امتعه ای است که می فروشد؛
- ۲- «هر ملکی بیشتر متاع به عمل بیاورد و بیشتر بفروشد غنی تر از دیگران است»؛
- ۳- «خلق سوییس از خلق افغانستان غنی تر هستند زیرا که در سوییس بیشتر از افغانستان امتعه به عمل می آورند و بیشتر می فروشند»؛
- ۴- راه تمول یک ملت... منحصراً به این است که زیاد کار بکند، زیاد امتعه به عمل آورد و زیاد بفروشد؛
- ۵- «اگر در ایران به قدر انگلیس متاع به عمل بیاورند دولت ایران به قدر انگلیس قوی خواهد بود»؛
- ۶- موافق علوم فرنگستان به جهت آبادی یک مملکت و به جهت ازدیاد قدرت یک دولت به جز تکثیر امتعه و تکثیر تجارت هیچ راه دیگر نیست. (۲۴)

ملکم خان متعاقب بحث های بالا- که خود قسمتی از باورهای مکتب مرکانتیلیسم است. ضمن بحث های دیگر که جملگی در راستای تفسیر عقاید همین مکتب اقتصادی هستند و عمده ترین آنها ذکر تکالیف اصلی دولت در پیدا کردن مشتری برای امتعه کشور خود است، یکی از وظایف دولت را برای دستیابی به سیاست ازدیاد امتعه و رواج تجارت، ساختن راه می داند: «اگر در ایران راه می داشتیم فقط گمرک پنبه ما از کل مالیات امروز ایران بیشتر می شد.» (۲۶) ملکم عقیده دارد که: «در کل فرنگستان به جهت زندگی و رفاه عامه به جز تولید امتعه و کثرت امتعه و فروش امتعه هیچ مطلب و هیچ تدبیری نیست.» (۲۷) از جهت دیگر می گوید: «عمده خرابی تجارت ایران علاوه بر قلت سرمایه در اشکال تداوم سرمایه است.» (۲۸) نهایتاً می نویسد: راه تسهیل تداوم سرمایه اقسام بانک هاست. فقدان امنیت اقتصادی یکی از مصائب عمده تاریخ ایران در ده قرن گذشته و خصوصاً دوره قاجاریه بود. ملکم، با درک درست از رابطه رشد با امنیت مالی، می نویسد: «قانون طبیعی بشری، چه در هند و چه درینگی دنیا، خواه تحت قدرت کفر، خواه در زیر سایه اسلام، همه جا این است که شخص همین که از حاصل کار خود مطمئن شد، خوب کار می کند و همین که از حفظ مال خود تردید پیدا کرد، بی اختیار از کار خسته و عاجز می شود.» (۲۹)

فرجام سخن

اقتصاد ایران در طول تاریخ خود تا زمان شکل گیری دولت کشور صفویه و حتی بعد از آن تا دوران قاجار و برخورد های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی ایرانیان با غربیان مبتنی بر کشاورزی و دامپروری و تجارت که در دست دولت و بازرگانان و تجار وابسته به حاکمیت بود، شکل سنتی خود را داشت با برخورد با جهان غرب متفکران (منورالفکران) عصر قاجار در مواجهه با این تمدن در خصوص اقتصاد، نظریاتی ارائه کرده اند. عملگرایانی مانند حاج امین الضرب در حوزه تجارت، طالبوف و میرزا ملکم خان و انتقادهایی توسط مراغه ای در سفرنامه ابراهیم بیگ مطرح شده است. اشخاصی دیگر که در این تحقیق نظرات آنان بیان نشده مانند: حسن خداداد آذربایجانی، ابوطالب بهبهانی، میرزا یعقوب، علی بخشی میرزا قاجار و نویسنده یا نویسندگان نامعلوم که به احتمال یکی از آنان باید علی اکبر دهخدا باشند رساله اقتصادی را در صور اسرافیل به چاپ رسانده و نظرات اقتصادی خود را بیان کرده اند. (صور

اسرافیل شماره های (۳۰-۲۹-۲۷ تا ۲۴-۱۹-۱۸-۱۷) با توجه به مسئله این پژوهش می توان فرضیه تحقیق که بر مبنای پاسخ مثبت به این مسئله که آیا نخبگان عصر قاجار در ابعاد اقتصادی دارای نظریات بوده اند را تأیید کرد. اما باید این مطلب را یادآوری کرد. که آنان در مواجهه با غرب ضعف ایران را دریافته و به پرداخت نظریات خود اقدام کرده اما آنان در رابطه با اینکه بتوانند یک نظام اقتصادی را پی ریزی کرده یا اینکه بتوانند یک نظام اقتصادی از جهان غرب گرفته و آن را با موقعیت ایران همگون کنند و سپس به رشد و توسعه آنان بپردازند ناموفق بوده اند. فرنگ کار خود را با نظامات اقتصادی فیزیکراتی، مرکانتیلیسمی، اقتصاد کلاسیک و نو کلاسیک، اقتصاد سوسیالیستی و اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد و رقابتی بنیان نهاده، اما متفکران عصر قاجار پیشرفت فرنگ را دیده و خواهان ایجاد نهادهایی مانند بانک، راه، تجارت خانه و گمرگ بوده اند. اما توجه به اصل مطلب که ایجاد یا اخذ یک سیستم اقتصادی است را مدنظر نداشته اند و نتوانستند یک سیستم اقتصادی بنیان بگذارند. و این ضعف عمده ای است که ما میراث دار آن هستیم.

منابع

- ۱- عبدالحسین خان سپهر، **مرآة الوقایع مظفری**، به کوشش عبدالحسین نوایی (تهران: زرین، ۱۳۶۸)، ص ۱۶۲.
- ۲- سهیلا ترابی فارسانی، «هیأت اتحادیه تجار تهران»، **مجله تخصصی گروه تاریخ**، شماره یکم ۱۳۸۰، صص ۳۱۷-۲۹۳.
- ۳- امین الضرب، حاج محمد حسین، «یادگار زندگانی»، به کوشش ایرج افشار، **مجله یغما**، س ۱۵، ش ۵ مرداد ۱۳۴۱، صص ۳-۱۲.
- ۴- فریدون آدمیت و هما ناطق، **افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار** (تهران: آگاه، ۱۳۵۶)، صص ۳۰۱ و ۳۷۰.
- ۵- همان، صص ۳۰۵-۳۰۴.
- ۶- همان، صص ۳۲۸-۳۱۵.
- ۷- فوریه، **سه سال در دربار ایران**، ترجمه عباس اقبال به کوشش همایون شهیدی (تهران: دنیای کتاب)، ص ۳۱۶ و فریدون آدمیت، **شورش بر امتیازنامه رژی** (تهران: پیام، ۱۳۶۰)، ص ۶۹.
- ۸- فریدون آدمیت، **ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران** (تهران: پیام، ۱۳۵۵)، ص ۳۴.
- ۹- **یزد در اسناد امین الضرب**، به کوشش ایرج افشار و اصغر مهدوی (تهران: طلایه، ۱۳۸۰)، ص ۴۳۹.
- ۱۰- فوریه، **پیشین**، صص ۳۲۶ و ۳۲۴.
- ۱۱- کنت دو گوینو، **سه سال در ایران**، ترجمه ذبیح الله منصوری (تهران: بی جا، بی تا)، صص ۳۲-۳۱.
- ۱۲- همان، صص ۳۱-۳۴.
- ۱۳- همان، صص ۳۴-۳۵.
- ۱۴- حاج زین العابدین مراغه ای، **سیاحتنامه ابراهیم بیگ** (تهران: کتابفروشی صدف، ۱۳۴۴)، صص ۱۶۴-۱۶۶.
- ۱۵- فریدون آدمیت، **اندیشه های طالبوف تبریزی** (تهران: دماوند، ۱۳۶۳)، صص ۱-۶.

- ۱۶- عبدالرحیم طالبوف، *کتاب احمد*، با مقدمه و حواشی باقر مؤمنی (تهران: انتشارات شبگیر، ۱۳۵۶)، صص ۱۴۷-۱۴۶.
- ۱۷- عبدالرحیم طالبوف، *سیاست طالبی*، به کوشش رحیم رئیس نیا و محمدعلی علی نیا (تهران: انتشارات علم، ۱۳۵۷).
- ۱۸- همان، ص ۱۲۲.
- ۱۹- طالبوف، *کتاب احمد، پیشین*، صص ۱۸۷-۱۸۶.
- ۲۰- همان، صص ۹۸ و ۹۷ و ۱۲۴.
- ۲۱- فریدون آدمیت و هما ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی، *پیشین*، ص ۲۸۹.
- ۲۲- نامه ملکم به میرزا نصرالله خان مشیرالدوله، ۳۰ صفر ۱۳۲۱، اسناد وزارت خارجه.
- ۲۳- میرزا ملکم خان، *مجموعه آثار «مجلس تنظیمات»*، تدوین و تنظیم محمد محیط طباطبایی (تهران: علمی، ۱۳۲۷)، ص ۶۵.
- ۲۴- ملکم خان، *رساله اصول* (خطی)، ص ۱۰۷.
- ۲۵- مکتب سوداگری (مرکاتیلیسم) شامل تمام اعتقادات، نظریه ها و سیاستهای اقتصادی می شود که بین قرن شانزدهم و قرن هیجدهم میلادی در اروپا به وجود آمده و توسعه یافته است و بالاخره، یک نظریه حمایتی از اقتصاد ملی است.
- براساس این مبانی بود که اندیشه و مکتب سوداگری به وجود آمد. اما توسعه آن در زمان و مکان به اشکال و انواع مختلف صورت گرفت. ر. ک: محمود منتظر ظهور، *اقتصاد خرد کلان* (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱)، صص ۴۲-۴۱.
- ۲۶- ملکم خان، *رساله اصول، پیشین*، ص ۳۵.
- ۲۷- همان، ص ۴۱.
- ۲۸- همان، ص ۴۸.
- ۲۹- همان، صص ۵۸-۵۷.

Archive of SID